



## کلاهبرداری

خواجه پور (رئیس کلانتری آبکوه مشهد) راهکارهای قانونی و قضایی برای پیگیری ماجرا به شاکی پرونده ارائه شد و او در حالی که از حمله‌گری‌های برخی افراد گلایه می‌کند، به طرف دادگستری به راه افتاد.

به کلانتری بازگردم اما یقین دارم که فروشنده ملک هسان بون و من به راحتی فریب حمله‌گری‌های او را خورده‌ام...

بارهنمایی‌های مشاور و دستورات ویژه سرهنگ ابراهیم

## شگر دزن نقش پرداز شو که کننده بود

گرفتاری پیرمرد مشهدی در دام زن جوان؛

همسر نیز هنگام معامله منزل همراه من بودا... خلاصه با اصرارهای من، آن زن خشمگین شد و گفت: اگر بیشتر از این مزاحم من شوی، از شما شکایت می‌کنم. فردی را که شما به دنبال او هستید، خواهر من است و همان طور که گفتیم اکنون در خارج از کشور به سر می‌برد. فرد این میان‌فکری به ذهنم رسید؛ بلافاصله از همسرم خواستم با شماره تلفن فروشنده ملک تماس بگیرم! در آن لحظه وقتی همسرم کلید تماس را روی گوشی تلفن فشار داد، ناگهان گوشی همراه آن زن به صدا درآمد و ولی باز هم مدعی شد چون آن زمان خواهرم تلفن همراه نداشتم شماره مرا به شما داده است، اما این دلیل نمی‌شود که من به شما منزلی را فروخته باشم! و حالا شما قصد تهمت و آبروریزی دارید. با این جمله مجبور شدم

حکم جلب را به وی نشان می‌داد از او مشخصاتش را پرسید ولی در کمال تعجب آن زن مدعی شد، من خواهر «ریحانه» هستم و کسی را که از او نام می‌برید، هم اکنون در خارج از کشور به سر می‌برد. من که هاج و واج مانده بودم، فریاد زدم دروغ می‌گویند او خودش است، بارها او را در بنگاه املاک و هنگام خرید ملک دیده‌ام! او قصد فریب مأمور را دارد ولی آن زن در کمال خونسردی مدارک شناسایی اش را از منزل آورد و به افسر پلیس نشان داد.

من که باور نمی‌کردم در چنین مخمصه‌ای افتاده باشم، بلافاصله با همسرم تماس گرفتم و از او خواستم به نشانی مذکور بیاید. وقتی همسرم به آن جاسنید و از بی‌بزرگی و تاید کرد که آن خانم، همان فروشنده ملک است چرا که

فروشنده و اریز نکردم و درگیر موضوعات قضایی شدم. از سوی دیگر، فروشنده تقاضای فسخ معامله را در دستگاه قضایی مطرح کرده و پول مرا به صندوق دادگستری ریخته بود. زمانی متوجه ماجرا شدم که فهمیدم بنگاه دار و خانم فروشنده یا یکدیگر تیبانی کرده اند و چون قیمت املاک افزایش یافته است، آن را به فرد دیگری فروخته اند، به همین دلیل از سال ۹۶ طرح شکایت کردم تا بتوانم حکم جلب فروشنده را بگیرم. بعد از این ماجرا بالاخره محل سکونت آن خانم فروشنده را پیدا کردم و به همراه یکی از بانوان پلیس کلانتری آبکوه و برای اجرای حکم جلب به منزل فروشنده رفتم.

وقتی زنگ منزل را به صدا در آوردم، همان خانم فروشنده در حیاط را گشود و افسر پلیس در حالی که

گروه حوادث - هنوز هم مات و مبهوت مانده‌ام که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ مگر می‌شود در این سن و سال به همین راحتی یک زن گله‌گر مرا این گونه فریب بدهد.

این هایشی از اظهارات مرد ۷۰ ساله‌ای است که در دام یک کلاهبرداری عجیب گرفتار شده بود. این مرد بسیار بیان این که در این دنیا به هیچ کس نمی‌توان اعتماد کرد، در باره ماجرای خرید یک ملک به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: در سال ۹۶ من منزلی را در بولوار توس مشهد خریدم. آن زمان فروشنده ادعا کرد ملک ۸۳ متر است ولی بعد از خرید منزل تازه فهمیدم که فریب خورده‌ام! من تراژیک بیشتر از ۷۳ متر نیست، به همین دلیل مبلغی از بهای ملک را به حساب

## داستان هیپنوتیزم میکائیل

### که می‌مرد و زنده می‌شد!

یعنی احساسات و عواطف، چهره را به تصویر می‌کشد؟

بله، تا حدودی. چون همه این قیافه‌ها و شکل‌های بشری قسمتی از زندگی فیزیکی زمین است، در زمین ماه به ساخت‌هایی رسیده‌ام و پیشرفت‌هایی داشته‌ام در اینجا همان مسیر را ادامه می‌دهیم.

بدون قیافه زمینی می‌شود در آن عالم با ارواح ارتباط برقرار کرد؟

بله، اما من یا خیلی‌ها با همان قیافه زمینی راحت‌تر با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم.

تو قیافه خاصی را دوست داری؟

من همیشه ابروهای پر، صورتی کشیده و سیبیلی نازک را دوست داشتم، شبیه پدرم باشم، پیتز واقعا زیاست.

یعنی قیافه پدرت را ترجیح داده‌ای؟

بله، چون او را بیشتر دوست دارم. این بار مرده‌اند و در جای او اشتباه بگیرند؟

او، چه چسرا به آن حالمی می‌کنم. بزودی خواهند فهمید موضوع از چه قرار است. به هر حال آن قیافه پیتز پدر را دارم.

پس هویت واقعیات نزار ارواح دیگر فاش شده است؟

بله، در شناختن هر کس آن طور که واقعا بوده، دیده می‌شود. واقعیت همه آشکار است. بعضی می‌خواهند که فقط بهترین چهره و زیباترین حالات خود را بروز دهند تا شمت‌تحت تأثیر قرار بگیرد. اما اینجا چون نخستین باری است که به اینجا آورده‌اند، متوجه نیستند که هدف و نیت مهم است نه ظاهر مان! گاهی ارواح قدیمی را به خنده و می‌دارند گاهی یک روح به اندازه زیادی تظاهر می‌کند و گاهی برخی روح‌ها قیافه‌هایی از خود به نمایش می‌گذارند که هیچ‌گاه در زندگی زمینی نداشته‌اند.

گروه حوادث - «میکائیل» هنوز ۱۰ روزه نشده بود که از غواش مادرش روی سنگفرش حیاط خانه‌شان در لاس‌وگاس افتاد. «جولی» وحشت‌زده به نوزادش خیره شد. هیچ‌گرمه‌ای نبود، به اطراف سر کوچک او خم شد. هیچ‌خونی هم دیده‌نمی‌شد، سرش را جلوی بینی «میکائیل» گرفت. دم و بازدمی نبود.

با صدای جیغ جولی، «پیتز» که در داخل ماشین منتظر زن و بچه‌اش نشسته بود، به بیرون دوید. بچه را روی زمین دید، مانند دیوانه‌ها به سمت او رفت، در آغوش گرفت و سمت ماشین دوید.

«میکائیل» نه تنها نفس نمی‌کشید بلکه نبض او نیز نمی‌زد، جولی مثل دیوانه‌ها گریه می‌کرد تا اینکه با سرعت زیادی خیابان‌ها را پشت سر گذاشتند و داخل بیمارستان اصلی شهر پیچیدند.

«میکائیل» به داخل اتاق اکسیژن انتقال یافت و پدرش و مادرش پشت در شیشه‌ای هراسان به این طرف و آن طرف می‌رفتند. پیتز می‌خواست از همسرش بازخواست کند اما وقتی چهره گریا او را دید، آهی کشید و به در شیشه‌ای چسبید.

نیم ساعتی طول نکشیده بود که یکی از پرستارها با چهره‌ای خندان به سسمت در رفت و با دیدن جولی و پیتز، به آنها خبر داد که خطر رفع شده است.

از آن روز به بعد، بارها و بارها میکائیل به همان حالت افتاده بود و یکی از مشسرتان معروف بیمارستان بود. دکتر‌ها از اینکه او چگونه می‌مرد و زنده می‌شود، اطلاعاتی نداشتند و «میکائیل» به سن جوانی رسید و این عادت هنوز در وجودش بود. او با راحتی می‌مرد و باز زنده می‌شد. حتی چند باری در خبرهای تلویزیون تصویری از میکائیل را پخش کردند و همین شهرت باعث شده بود هیچ دختری حاضر به ازدواج با او نباشد. جز میکائیل، هیچ کس نمی‌دانست که او چه جزئی می‌شد، می‌خواست مثل همه انسان‌ها زندگی عادی داشته باشد. هرچه نزد پزشکان رفت، کسی نتوانست علت این حالت غیر عادی او را تشخیص

بدهد. همه در مانده بودند.

«میکائیل» پس از پرس و جوهای بسیار نزد دکتر مایکل معروف رفت. وقتی سرگذشت خود را تعریف کرد، لیکندهی‌را به چهره دکتر دید. شاید در آن لحظه معنای آن خنده و تفهمید تا اینکه پذیرفت روی صندلی هیپنوتیزم بنشیند.

بگو چه می‌کنی؟

احساس خیلی خوبی دارم، انگار هیچ غمی نیست، باوردم می‌شود براحتی در حال پروازم.

نگران نیستی؟

اصلاً! انگار بارها و بارها به اینجا آمده‌ام. تعلق خاطر خاصی به این مکان دارم.

چه مکانی است؟

قابل توصیف نیست، شاید در اینجا آب و آتش در کنار هم براحتی باقی بمانند. آدم‌های زیادی را می‌بینم البته احساس می‌کنم.

می‌بینی یا احساس؟

اسکلت‌های نورانی و بسیار دلنشین که دو چشم بزرگ دارند و حرکت می‌کنند.

به سمت تو می‌آیند؟

تو چیزی ندانند اما احساس می‌کنم دفعه پیش که آمدم، با چند تایی هم صحبت شدم. شاید چهره‌م تکراری است.

چهره تو چگونه است؟

می‌توانم همان میکائیل باشم یا تغییر چهره بدهم.

یعنی چطور؟ توضیح بده که در حالت روح چگونه قیافه انسانی از خودت بروی می‌دهی؟

از انرژی‌ای که دارم و زمینی نیست استفاده می‌کنم. کافی است فقط فکر آن قیافه‌ای که می‌خواهم داشته باشم را بکنم. اما نمی‌دانم چه نیرویی این قدرت را به من داده است.

این نظم را در آنجا به هم نمی‌زند؟

ما دوست داریم همان چهره خودمان را داشته باشیم اما اگر بخواهیم، در روح می‌تواند یک چهره خاص سینمایی داشته باشند، یا ورزشکاری معروف شوند که

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

سایت: www.eghtesad-kish.ir

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

### استخدام

به تعدادی کارگر ساده جهت کار پاره وقت بعنوان پیک موتوری نیازمندیم. ۴۴۴۲۴۹۹۹

### مفقودی

اصل قرارداد واگذاری زمین بصورت قطعی به شماره ۸۳/۹۱۴-۲۶ مورخ ۱۳۸۳/۷/۷ فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش آقایان سعید صالحی و فردین نوایی مربوط به واگذاری ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۰۰ متر مربع به شماره تفکیکی ۱۱۲۱ واقع در جزیره کیش میرمهنا - شهرک نوبنیاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل صورت‌مجلس تحویل زمین به شماره ۶۷۱۱۱/۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ مربوط به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۴۰۰ متر مربع و به شماره تفکیک ۱۱۲۱ واقع در فاز ۳ شهرک نوبنیاد جزیره کیش در جهت احداث واحد مسکونی (فروشنده شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش - خریدار آقایان سعید صالحی - فردین نوایی) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل پروانه ساختمان به شماره ۷۸۴۸۳۵-۱۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۲ مربوط به قطعه TS-۱۹ واقع در فاز توسعه نوار ساحلی و اراضی جزیره کیش فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و آقای سیف علی روحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل پروانه ساختمانی مربوط به یک قطعه زمین به مساحت ۴۰۰ متر مربع به شماره تفکیکی ۱۱۲۱ واقع در جزیره کیش - میرمهنا - شهرک نوبنیاد موضوع قرارداد شماره ۸۳/۹۱۴-۲۶ مورخ ۱۳۸۳/۷/۷ فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و آقایان سعید صالحی و فردین نوایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

اصل الحاقیه به شماره ۷۸۴۸۳۵-۱۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۲ مربوط به قطعه TS-۱۹ واقع در فاز توسعه نوار ساحلی و اراضی جزیره کیش فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و آقای سیف علی روحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل صورت‌مجلس تحویل زمین به شماره ۷۸۴۸۳۵-۱۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۲ مربوط به قطعه TS-۱۹ واقع در فاز توسعه نوار ساحلی و اراضی جزیره کیش فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و آقای سیف علی روحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل قرارداد به شماره ۷۸۴۸۳۵-۱۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۲ مربوط به قطعه TS-۱۹ واقع در فاز توسعه نوار ساحلی و اراضی جزیره کیش فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و آقای سیف علی روحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

## کلیه سفارشات

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

# صنایع چوب

# حلاج کیش